

پیشگفتار

از آغازین روزهای حیات اسلام، زلال جاری حدیث، از والاترین قله‌های دانش، به سوی انسانهای تشنه، سرازیر گشت. حدیث، پس از قرآن، به عنوان مهم‌ترین منبع دریافت معارف دینی، راهنمای رهپویان راه سعادت و کمال شد و در همه عرصه‌های زندگی مسلمانان جلوه کرد. درخشش نمایان حدیث، چشم طمع ریاست‌طلبان و جاه‌طلبان را به سوی آن جلب نمود و قدرت‌طلبان، دین‌فروشان عالم‌نما را با تطمیع و تزویر به خدمت گرفتند تا برایشان حدیث بسازند و شفافیت معصومانۀ سخن پیشوایان دین را در گردوغبار ساخته‌هایشان پنهان سازند. آنان حقیقت نهفته در ورای روایات را تاب نیاوردند و با تحریف و افزودن و کاستن، جامۀ حدیث را بر بدعتها و خواسته‌های نفسانی خود پوشانده، و این چشمۀ جوشان را در امتداد تاریخ خود، گل آلود کردند. اینک ما هستیم و راهی تابناک که، در نقاطی از آن، امویان و عباسیان گردوغباری برانگیخته‌اند و نقاطی دیگر نیز به دست غالیان و درباریان، مه‌آلود گشته است.

جااعلان هرچند اندک، چنان آلوده بودند که پلیدی کردار زشت آنان، هر پژوهشگر در پی واقعیت را ناگزیر می‌کند تا به خوراک علمی خود و آنچه به دین منسوب می‌شود با نگاهی ژرف و نقادانه بنگرد و به دانشهای حدیثی مانند رجال و کتاب‌شناسی و نیز نقد حدیث مجهز شود.

امامان ما، نخستین ناقدان گفتار و رفتار منسوب به پیامبر اکرم ﷺ، و نیز خود بودند. آنان جعل حدیث و زیانهای آن را می‌دیدند و از این‌رو، پا به میدان رویارویی با جعل و جااعلان نهادند، و راویان و شاگردان خود را در این عرصه درآوردند و یاری دادند.

در بخش اول این نوشته، تاریخچه، شیوه‌ها و انگیزه‌های گونه‌گون جعل، و نیز رویارویی با آن گزارش می‌شود و معیارهای جاودان به‌یادگارنهادۀ امامان را در بخش دوم بررسی می‌کنیم، و در پایان، به دستاوردهای نقد می‌پردازیم.

ما تنها در صفحاتی معدود، به آسیب‌شناسی نقد پرداخته، اما در سراسر کتاب، کوشیده‌ایم نقد معتدلانه را در میانه ورطۀ ردّ عجولانه و دره پذیرش ساده‌لوحانه، سرلوحۀ کار خود کنیم و به ساختگی بودن سخنی، نه بر پایه آنچه مشهور است که بر اساس اسناد در دسترس، حکم کنیم.

این توصیه را بر خود لازم می‌بینم که دانشجویان و خوانندگان اندیشمند این نوشته خرد، هیچ‌گاه حجم احادیث مقبول و معتبر را از یاد نبرند، و احادیث مجعول را خس و خاشاکی بی‌مقدار بر اقیانوس سخنان درست معصومان ببینند و به هیچ روی اعتماد کلی و اجمالی خود را بر میراث کهن و گران‌بهای حدیث از دست نهند، که خواهیم گفت، این خود، مقصود جا‌اعلان بوده و از زیانهای کار آنان است.

این کتاب، در این زمینه، نخستین نیست، اما با پیوند دادن دو مبحث وضع و نقد حدیث و نیز رویکردی فراگیر به احادیث شیعه و اهل سنت، کوشیده است با بهره‌گیری از کتابهای ارزشمند پیشین، یک گام پیش‌تر بنهد و متنی قابل تدریس را فراهم آورد.

در پایان، از نقادیه‌های گران‌بهای حجة الاسلام و المسلمین محمد کاظم طباطبایی، محقق و استاد دانشکده علوم حدیث و نیز انتقادهای و پیشنهادهای ارزشمند استادان بزرگوار این دانشکده، دکتر نفیسی و حجة الاسلام سبحانی‌نیا، پس از تدریس متن اولیه و نیز تلاشهای همکاران و مسئولان دانشکده مجازی علوم حدیث و دست‌اندرکاران و ارزیابان محترم سازمان سمت تشکر می‌کنم و برای ایشان و همکارانم در حروفچینی، تصحیح، ویرایش و نشر این نوشته، پاداش الهی را درخواست می‌کنم.

عبدالهادی مسعودی

زمستان ۱۳۸۷